

گزارشی از واکنش‌های جامعه ایرانی در مقابل رویدادهای مختلف داخلی و خارجی

۲۵ فروردین ۸۱ مردم ما را در برابر عکس‌العمل دو واقعه به تجمع کشاند. از یک سو، تشییع جنازه دکتر پدالله سبحانی از پیش‌کسوتان مبارزات مردم ایران و ازسوی دیگر تجمع ائتشار ورزشی در حمایت از مردم فلسطین.

ازدحام جمعیت‌در آخرین همراهی‌های یک فردکه روزگاری‌از سردمداران تحقق آرمان هایشان بود، نشان از عرق ملی و مذهبی مردم داشت‌که همواره با آگاهی وبه هنگام، قدم در میدان کنش‌های سیاسی و اجتماعی نهاده و با حساسیت‌ویژه خود نسبت به مسائل داخلی و خارجی در عکس‌العمل‌های نخبگان،اندیشمندان و دولتمردان تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. شرکت چند میلیونی مردم در انتخابات داخلی، تجمع آنها در محکوم کردن جنگ‌های اخیر در منطقه و همدردی‌به موقع با آسیب‌دیدگان همه‌نشانگر عکس‌العمل سریع آنها درمقابل بحران‌های به وجود آمده در سطح جهان است.

بعد از یازده سپتامبر بحران‌های جهانی دغدغه اکثر شبکه‌های خبری و ژورنال‌های جهانی شد و وقایع یکی پس از دیگری اذهان جهانیان را به خود معطوف ساخت. در این میان کشور ما نیز از هر طرف درمقابل این بحران‌ها دچار چالش در سیاست خارجی و داخلی قرار گرفت. درپی این بحران‌ها، از حوادث یازده سپتامبر، تعقیب تروریست، جنگ افغانستان و تهدیدات امریکا تا به امروز که جنگ در فلسطین اشغالی شدت یافته، مردم ما همواره نگران تصمیم‌گیری‌ها و سیاسی هستند که مسوولان مملکتی اتخاذ می‌کنند و درصددند تا تصمیمات و عکس‌العمل‌های مسوولان منطبق با منافع آنها و منافع ملی کشورشان باشد تا در این میان ملیت و تمامیت ارضی کشور محفوظ بماند.

مردم ایران سابقه دیرینه‌ای در کنترل و راهبری هوشمندانه سرنوشت کشور خود دارند.دیدیم که زمانی، خود انقلاب کردند و زمان دیگر یکچارچه بسپح شدند تا از مرزهای کشور دفاع کنند. این مردم ، همان مردمی هستند که حکومت مردم‌سالاری دینی‌را سرلوحه خواسته‌های خود قرار دادند و حماسه دوم خرداد را آفریدند.

حساسیت مردم نسبت به مسائل داخلی و مسائل جهانی و منطقه‌ای مسعود بهنود ، نویسنده و روزنامه‌نگار در ارزیابی خود اینگونه می‌گوید:

«اگر می‌بینم که مساله فلسطین مطرح است، روابط ایران و امریکا ، بامسائل مربوط به روسیه و آسیای میانه ، سرنوشت صدام یا طالبان در مردم حساسیت‌هایی ایجاد می‌کند، به این دلیل است که به نوعی این مسائل با منافع ایران منطبق است.

به هر حال همیشه این مردم هستند که درست حرکت می‌کنند و همیشه حق با آن‌هاست. اگر در مواقعی، می‌بینیم که حساسیت‌هایی که نخبگان یا حکومت ایجاد می‌کند مردم دنبال نمی‌کنند، لاجرم باید ربط بدهیم به اینکه آنها اشتباه می‌کنند و اجماع مردم اشتباه نمی‌کنند.

به عنوان مثال وقتی که با بالاترین میزان تبلیغات، رسانه‌های محافظه‌کار و رسانه‌های ملی سعی کردند در مردم حساسیتی در مورد مساله بوسنی به وجود بیاورند و کار به فشار تبلیغاتی هر روزه و مداوم رسید، مردم آن قدر که مثلا در مورد فلسطین و افغانستان حساسیت نشان می‌دهند، از خود توجه‌نشان ندادند. روزگار گذشت، دولت بوسنی تشکیل شد، مردم بوسنی از زیر ظلم و فشار بیرون آمدند و روزگار ثابت کرد که مردم ایران حق داشتند، نه کسانی که گمان می‌کردند بوسنی یک کشوردست و پاژنگ همیشه‌گی ما در اوپا خواهد بود، چراکه الان اصلا معلوم نیست که بوسنی و هرزگوین در کجای معادلات ما قرار گرفته است، آنها از موقعی که به حکومت رسیدند، ناپدید شدند. توقع داشتن از مردم به اینکه هر وقت ما خواستیم حساس شوند و هر وقت ما نخواستیم فراموش کنند، توقع زیادی است.»

الهه کولایی، عضو کمیسیون امنیت ملی با ارزیابی دیگری می‌گوید، به رغم اینکه کشور ما به شدت تحت تأثیر محیط بین‌المللی و منطقه‌ای قرار دارد و تحولات خارج از مرزهای ملی ما، مسائل داخلی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، متأسفانه نسبت به این عوامل شناخت مناسبی در جامعه ما وجود ندارد، تحلیل نسبت به عوامل بین‌المللی، اساسا تحت تأثیر تجارب تاریخی در چارچوب برخی میزان تأثیر عوامل بیرونی، اطلاع مناسبی وجود ندارد. این امر متأسفانه در زمینه‌های مختلف تصمیم‌گیری و اجرایی نیز رسوخ پیدا کرده، یعنی ما در خصوص برخورد با محیط بین‌المللی و لحظه مناسب تنظیم روابط با محیط بین‌المللی، به دلیل بها ندادن به کار تخصصی و کارشناسی دراین زمینه ، متأسفانه غالبا امکانات و فرصت‌های مناسب ناشی از موقعیت جغرافیایی ، تاریخی و طبیعی کشور خود را از دست می‌دهیم. این امر نه تنها در سطح عوام بلکه در سطح خواص نیز شیوع چشمگیری دارد، حتی نسبت به محیط بین‌المللی درک درست و صحیحی در جامعه ما وجود ندارد، غالبا ارزیابی‌ها به شدت غیرواقع بینانه است یا براساس برآورد سوالات خوش بینانه و یا برآورد‌های فوق‌العاده بدبینانه، یعنی یک نگاه افراطی سیاه و سفید، بدان گونه که در سیاست داخلی ما وجود دارد نسبت به سیاست خارجی و محیط بین‌المللی نیز وجود دارد که البته با توجه به این که سیاست خارجی اساسا ادامه سیاست داخلی است شاید این پدیده چندان تعجب‌آور نباشد اما نه تنها در سطح نخبگان اجرایی و عناصر تصمیم‌گیری، بلکه اساسا در سطح توده‌ای نیز نسبت به این امر توجه مناسبی به چشم نمی‌خورد. به همین دلیل نیز ما نمی‌توانیم درکی درست و منطبق با واقعیت را مبنای رفتارهای خود قرار دهیم و با امکان مستمر و مکرر شاهد از دست رفتن فرصت‌های مناسب برای کشورمان هستیم ، همچنین با توجه به اینکه محیط بین‌المللی، یک محیط ایستنا نیست ، به ویژه در جهانی که امروزه زندگی می‌کنیم، تغییرات به سرعت و شدت در حال شکل گرفتن است؛ اگر ما در واقع محیط عملیاتی خود را به درستی نشناسیم و براساس شناخت صحیح، سیاست خود را تنظیم نکنیم، کاملا طبیعی است که نتوانیم از امکانات و فرصت‌های پیش روی خود به درستی بهره بگیریم .

ماشاءالله شمس‌الواعظین حساسیت مردم را در مورد رویدادهای داخلی و بین‌المللی به دو نوع تقسیم می‌کند و می‌گوید: حساسیت اول ناشی از معرفت نسبی پیشینه افکار عمومی نسبت به یک رویداد است؛ بدین معنا که مردم آگاهی‌های قبلی را نسبت به یک واقعه در اختیار دارند و آنگاه که این واقعه، مراحل بعدی‌اش را طی می‌کند افکار عمومی با حساسیت بیشتری آن واقعه را دنبال می‌کند. نوع دوم حساسیت مردم نسبت به رویدادا، ناشی از معرفت پسینی است نه پیشینی؛ به این معنا که پس از آنکه یک واقعه اتفاق می‌افتد و رسانه‌های گروهی آن واقعه را دنبال می‌کنند مردم نسبت به این واقعه، آگاهی خاصی پیدا می‌کنند و آنگاه در افکار عمومی ، این واقعه معرفت پیشینی ایجاد می‌کند، در معرفت اول و دوم رسانه‌های گروهی هر جامعه نقش به‌سزایی در افزایش و کاهش این حساسیت‌ها برعهده می‌گیرند. به این معنا که یک رسانه

ملی هنگامی که یک واقعه را مطرح و

دنبال می‌کند افکار عمومی را به سوی

توجه به این واقعه و نتایج و پیامدهای آن

بسپح می‌کند و در نتیجه حساسیت

افکار عمومی نسبت به این واقعه کاهش

و یا افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه می‌توان

گفت وقایعی که در جامعه ما اتفاق

می‌افتند باید آنها را در آئینه رسانه‌ها

جست و جو کرد که نحوه پرداختن به این

واقعه از سوی رسانه‌ها حساسیت

بعدی افکار عمومی را شکل خواهد

داد. از سوی دیگر ما یک رسانه‌ای داریم

به نام رسانه دهان به دهان یا رسانه

شایعه که به دلیل فقدان رسانه‌های

گروهی جمعی و ملی ، آن رسانه فعال

می‌شود. یعنی رسانه شایعه ، زمانی

کاری خود را نشان می‌دهد که رسانه

های مکتوب و رسانه‌های گفتاری و

شیداری و دیداری کارایی خود را از

دست بدهند.

به عقیده من در ایران امروز هنوز

رسانه شایعه یا رسانه دهان به دهان

همچنان قوی‌ترین رسانه گروهی ایران

محسوب می‌شود، چرا که در جامعه‌ای

که ما فاقد رسانه‌های گروهی مطمئن

برای افکار عمومی هستیم این رسانه

شایعه است که دهان به دهان میان افکار

اشاره:

طی یکی، دو سال گذشته تحولات و رویدادهای

خارجی و داخلی شتاب‌ویژه‌ای یافته است تا آنجا که

بسیاری از این حوادث برخلاف گذشته تا عمق جوامع

طنین افکنده است، لذا یک بحث مهم جامعه‌شناسانه

این است که مردم در برابر حوادث کوچک و بزرگ

جهان چه واکنشی از خود بروز می‌دهند؟ این بحث

وقتی متوجه جامعه خودمان می‌شود بعضا تا

واکنش‌های شگفتی ساز پیش می‌رود! گاهی که انتظار

تحركات بزرگ و وسیع اجتماعی در مقابل یک رویداد

اجتماعی انتظاری طبیعی است هیچ حرکت قابل توجهی

صورت نمی‌گیرد وگاهی که هیچکس انتظار تحرکی از

ایرانیان ندارد و موج تحرك اجتماعی، ناظران را به

تعجب وامی‌دارد، نمی‌توان قواعد رایج جامعه‌شناسانه

را در مورد جامعه ایرانی بلا موضوع دانست. براین اساس

باید این بررسی‌صورت گیرد که دلیل متفاوت بودن

بعضی‌از واکنش‌های اجتماعی در مقایسه با جوامع دیگر

در برابر یک حادثه مشترک چیست؟ این بحث مهم را با

جمعی‌از صاحب‌نظران در میان گذاشته‌ایم که نظر

خوانندگان محترم را بدان جلب می‌کنیم:



مردم سلحشور و وطن دوست ایران ضمن اینکه ازمرزهای کشور دفاع کردند، حکومت منتخب خود را نیز حفظ کردند.

با توجه به جهانی که مادر آن زندگی می‌کنیم برخی از منافع هر کشوری در درجه اول با حفظ منافع خود آن کشور و در درجه‌بعدی با حفظ منافع کشورهای منطقه و کشورهای همسایه و همین طور حفظ منافع مردم دنیا تااین می‌شود که این امر جدای از حفظ منافع بشری نیست، خصوصا در هزاره سوم و باطرخی که رئیس جمهور ما در خصوص گفت و گوی تمدن‌ها ارائه‌ها داده که

می‌توانست و می‌تواند جای جنگ تمدن‌ها را بگیرد. در هزاره‌ای که عصر دانایان و عصر تبادل دانش و تفکر است و در عصری که انسان‌های فکور و فرهیخته می‌توانند منافع جامعه بشری را حفظ کنند.

امانی در مورد حساسیت مردم ایران در مورد حوادث اخیر جهانی می‌افزاید: چون مردم ما مردم دینداری هستند و اینکه سرفصل زندگی ما ایرانیان و مسلمانان ، صلح، دوستی و مودت است لذا مردم ایران نیز همانند مردم آزاده و فهیم مردم جای‌جای دنیا به هیچ وجه از جنگ افروزی و به بهانه مبارزه با تروریسم ، کشتار یک ملت را نمی‌توانند بپذیرند.

اشاره‌ای به برخی‌واکنش‌های مردم در

مقابل مسائل داخلی و مسائل جهانی در مطبوعات

یکی از روزنامه‌ها در تاریخ ۱۸ سپتامبر پیام تلفنی یکی از خوانندگان خود

را به چاپ رساند که عنوان می‌داشت:

در شرایطی که تمام رهبران دنیا اقدام به محکوم کردن عملیات تروریستی آمریکا کرده‌اند رژیم صهیونیستی در صدد حداکثر بهره برداری سیاسی از این

موقعیت است و تبلیغات منفی خودش را برضد مسلمانان در رسانه های دنیا شدت بخشیده است، چرا به غیر از تنها، پیام ریاست جمهوری، و وزارت خارجه در این امور به شدت منفعل عمل می‌کند و میدان را برای صهیونیست‌های دنیا باز گذاشته است تا هر چه می‌خواهند بگویند و به نظر من در این موقعیت وزارت خارجه ما می‌تواند حداکثر بهره‌برداری را انجام دهد.و از موضع واقعی کشور و مردم ما در این خصوص دفاع نماید و این می‌تواند اثرات خیلی خوبی بر رسانه‌های دنیا و مردم دنیا داشته باشد.در این پیام می‌توان واکنش سریع و تحلیل مردم را که در ۱۸ سپتامبر به چاپ رسید به وضوح دید.

در همین رابطه خواننده دیگری با ارسال یک پیام تلفنی به روزنامه دیگری عنوان می‌کند:

به آقای رئیس جمهور پیشنهاد می‌کنم که همراه با مردم در یک اقدام سمبلیک به قربانیان تروریسم خون اهدا کنند و نیمی‌از این خون‌ها را به فلسطین و نیمی را به مردم امریکا بدهند. (۲۱ سپتامبر)

حساسیت مردم را در موضوعات مختلف از طریق همین پیام‌های تلفنی تا حدودی می‌توان به دست آورد؛ چنانچه یک شهروند ایرانی به یکی از روزنامه‌ها می‌گوید: چرا مبالغ درآمد نفی کشور به طور حقیقی منتشر نمی‌شود و چرا نمایندگان ما کم تحرک و بی‌انرژی به جای پرداختن به اصل موضوع به دنبال بعضی مسائل حاشیه‌ای می‌روند.

خواننده دیگری با حساسیت نشان دادن نسبت به مسائل حقوقی و اقتصادی پیام می‌دهد که:

چرا خبری از پرونده شهرام جزایری نیست ؟

از مسوولان می‌خواهم جلوی فساد اقتصادی را بگیرند . فساد اقتصادی خیلی برای حاکمیت بد است . چرا جلوی این بی بند و باری را نمی‌گیرید، چرا اصل ۴۹ قانون اساسی اجرا نمی‌شود.

همچنین یک شهروند دیگر عقیده خود را اینگونه بیان می‌دارد که: وزرای خارجه کشورهای عربی و اسلامی برای محکومیت جنایات اسرائیل در یک حرکت نمادین دست به تحصن و اغصابه غذا بزنند و به ندای رهبر انقلاب پاسخ بدهند و شیرهای نفت را ببندند.

اما گاهی در این میان مشاهده می‌شود که مردم ما از توجه بیش از حد مسوولان نسبت به مسائل منطقه‌ای و کشورهای همسایه برخورداریم همراه با گلایه دارند و گاهی نیز حساسیت‌ها و قضاوت‌ها براساس قضاوتی شتاب زده و صرفا منطبق با اطلاع‌رسانی رسانه‌های داخلی است.

توازن میان توجهات مردم به مسائل خارجی و داخلی

باید دید چگونه می‌توان این توازن را برقرار کرد و چنین توازنی در پیشرفت کشور چه تأثیری خواهد داشت؟!

در این زمینه مسعود بهنود می‌گوید: « توازن خود به خود برقرار است مسائل داخلی بیشتر تحت توجه مردم است و خود به خود مسائل خارجی به اندازه داخل حساسیت ایجاد نمی‌کند بنابراین حساسیت برقرار است اما بایددید آیا این حساسیت مفید است یا مضر؟ اگر حساسیت راه عقده‌رسان باشد مردم به مسائلشان معنا کنیم هیچگاه مضر نیست مردم هر چقدر بیشتر درگیر مسائل روزمره و نحوه اداره خودشان و تصمیم‌گیری‌های کلی شوند هم به نفع مملکت و هم به نفع نخبگان و مسوولان است، اما اگر که صحبت از حساسیت آستانه تحریک باشد بحث متفاوت می‌شود به نظرم تحریک اصولا کار خوبی نیست. اما از بین بردن تحریک نیز راه‌های دارد که تجربه شده است و باید از راه‌های علمی و عملی خودش صورت بگیرد، نه از راه‌های تند و خشن. به عنوان نمونه وقتی که کسی مقاله‌ای می‌نویسد، یا سخنی می‌گوید که ما احساس می‌کنیم در آن سخن تحریک است دوره را باید پیش بگیریم؛ یکی آن که آن آدم را بگیریم و زندانی کنیم و محاکمه کنیم و به این ترتیب به حرف آن شخص بعد وسیع‌تر بدهیم که در این صورت حرف آن شخص تحریک است، تحریک او وسیله بیشتری برای عمل پیدا می‌کند و راه دیگر این است که با منطق و استدلال به جنگ او برویم، تحریک او را خاموش کنیم و اثر آن تحریک را از بین ببریم . متأسفانه خیلی‌ها هستند که همیشه راه اول را انتخاب می‌کنند و بعد متعجب می‌شوند که چرا اثر نمی‌کند. راه‌های تند در مسائل اجتماعی معمولا اثر نمی‌کند.»

شهربانو امانی نماینده مجلس در مورد چگونگی برقراری این توازن می‌گوید: بحث اصلی قضیه این است که مردم اطمینان داشته باشند رسانه‌های داخلی بخش اعظم اخبار را به مردم برسانند و نه آن قسمت خالی «را» و در انتخاب اخبار و اطلاعات جهان گزینشی عمل نکنند. مخصوصا تک رسانه ملی؛ و در درجه بعدی مردم این اعتماد را داشته باشند که وقتی مسوولان کشور به این نکته رسیدند که مثلا حتی‌با امریکا وارد مذاکره شوند، مطمئنا حافظ منافع ملی آنها باشند و برسر منافع ملی خطی عمل نشود.

الهه کولایی نماینده مردم این توازن را وظیفه نخبگان کشور می‌داند و می‌گوید: « آن‌ان می‌توانند به ارتقای آگاهی‌های عمومی در جامعه یاری رسانند.» و در ادامه می‌افزاید: «رسانه‌ها نیز بیشترین تأثیر را در این زمینه می‌توانند داشته باشند. چنانچه ما شاهد نیز‌و‌های قوی و کارآمد به کارگرفته شده در این نهادها باشیم ، می‌توانیم جامعه را نسبت به این امور به طور مناسب حساس نمایم، همان‌گونه که می‌دانیم ما در این زمینه نیز دچار ضعف جدی هستیم و نسبت به مسائل خارجی و بین‌المللی و تحولات شگرفی که امروز جهان را به طور اساسی زیر و رو ساخته ، متأسفانه نگاه واقع بینانه نداریم و در نتیجه شاهد تکرار ناکامی‌ها در کشور در این زمینه هستیم.»

بی‌تفاوتی افراد جامعه:

شمس‌الواعظین در تحلیل این موضوع که گاهی در بین افراد جامعه بی‌تفاوتی نسبت به مسائل به وضوح مشاهده می‌شود، می‌گوید: در صورتی که سیستم اطلاع‌رسانی کشور گردش آزاد خود را طی کند حساسیت مردم نسبت به رویدادا واقعا افزایش پیدا کرده و از بی‌تفاوتی خارج می‌شود و اگر ما رسانه‌های گروهی را فعال کنیم و رویدادا را همان‌طور که هست- و نه همان‌طور که دولت‌ها و حکومت‌ها تمایل دارند- منعکس نمایم و به افکار عمومی منتقل کنیم ، افکار عمومی نسبت به رسانه‌های ملی خود اعتماد بالایی پیدا خواهند کرد که در نتیجه هم تحولات ، تحت کنترل درمی‌آید و هم رسانه‌های جمعی شایعه‌کاری خود را از دست خواهند داد و بالاخره مردم نیز نسبت به رویدادهای واقعه عکس‌العمل به موقع و مطمئنی نشان خواهند داد.

الهه کولایی علل بی‌تفاوتی مقطعی را در بین مردم به مسائل روزمره و نیازهای فوری آنها ربط می‌دهد و می‌گوید:« هرگونه افراط و تفریط در رفتار حکومت می‌تواند با بروز واکنش‌های غیرعادی در جامعه مواجه شود. چنانچه دستگاه‌های حکومتی در پرداختن به اولویت‌های سیاست خارجی به شکل نامتوازن و نامتعادل عمل کند ، ما شاهد بروز ناهنجاری‌هایی در سیاست داخلی خواهیم بود. مانند موضع گیری در قبال مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای مختلف.»

